شیرهای تناولی روی دیوار هدایت

شیرهای جدید به امضای پرویز تناولی، هنرمند مجسمه‌ساز این روزها در گالری هدایت به نمایش و فروش گذاشته‌شده است. این اثر که توسط تناولی به رویداد بزرگداشتش هدیه شده است، در ۸۰ نسخه توسط هنروران این هنرمند تکثیرشده و با امضای او به فروش می‌رسند. در این نمایشگاه یک نسخه از مجموعه‌طرح‌های شیرهای تناولی و یک قالیچه شیری از طرح‌های او نیز ارائه شده است.

بازگشت «پی‌پی جوراب بلند»

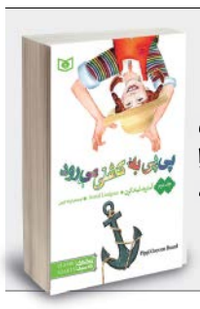

مجموعه سه‌جلدی «پی‌پی جوراب بلند» اثر آسترید لیندگرن با ترجمه فرزانه کریمی در انتشارات قدیانی تجدید چاپ شد. پی‌پی جوراب بلند، یک دختر ۹ ساله است. همه‌کسانی که او را می‌شناسند، وی را عجیب‌وغریب می‌دانند. خودش می‌گوید شما از بچه‌ای که مادرش تو آسمان‌هاست و پدرش پادشاه آدم‌خورهاست چه انتظاری دارید؟! این کتاب را می‌توانید از سایت نشر قدیانی به‌صورت آنلاین خریداری کنید.

ناگهان

به بهانه فیلم «شیشلیک»، اولین تجربه کمدی محمدحسین مهدویان،

علی رستگار

سینما

ممکن است با فیلم‌های کمدی زیادی خندیده باشیم و به ما بسیار خوش گذشته باشد، اما وقتی از ما بخواهند در یك نظرسنجی درباره بهترین فیلم‌ها شرکت کنیم، سعی می‌کنیم وجه جدی‌تر خود را به رخ بکشیم و از فیلم‌های خاص‌پسندتری اسم ببریم. این تبعیض و بی‌عدالتی نسبت به فیلم‌های خوب کمدی و بی‌مهری به سینمای خنده و قدرشناسی، احتمالا ریشه در تقبیح شوخی و سرخوشانگی دارد که کم و بیش جهانی است و البته در ایران شاید بیشتر هم خودش را نشان دهد. با کمدین‌ها و فیلم‌های خنده‌دار می‌خندیم، ولی به محض یك رای‌گیری، اصلا کمدی‌ها را بازی نمی‌دهیم و یاد جدی‌ترین و تلخ‌ترین و پیچیده‌ترین فیلم‌ها می‌افتیم. نمونه بارز آن در جشنواره فیلم فجر است که کمدی‌های چندانی در آن حضور ندارند و اگر هم کمدی استانداردی در آن حاضر باشد، معمولا ترجیح داوران برگزیدن فیلم‌های جدی است. در میان منتقدان، گرایش به فیلم‌های جدی بیشتر هم هست و کمتر پیش می‌آید کمدی‌ها در میان آثار محبوب و انتخابی آنها جا داشته باشد.

کمدی‌ها معمولا تنها در فضای گیشه، حال خوشی دارند و تحویل گرفته می‌شوند و در چنین مواقعی است که فعالان تولید و توزیع برای آن سرودست می‌شکنند. اما وقتی بخواهیم به بحث‌های جدی‌تر ورود کنیم، در را روی کمدی می‌بندند. البته یکی از دلایل اصلی این بی‌اعتنایی، کیفیت بسیاری از فیلم‌های کمدی به‌ویژه در سینمای ایران است که با فرمول‌های مشخص و به شیوه بزن در رویی ساخته می‌شود و استاندارد و جذابیت لازم را ندارد که بخواهد جدی گرفته شود. این بازار مکاره شبه‌کمدی‌ها، کمی

چشمک به کمدی

اصغر فرهادی و نرگس آبیار از جمله کارگردان‌های سینمای ایران هستند که تاکنون در سینما فیلم کمدی کارگردانی نکرده‌اند و درام‌هایشان عمدتا در فضایی تلخ و جدی اجتماعی روایت می‌شود. البته گاهی شوخی‌ها و صحنه‌های بانمکی در آثار آنها یافت می‌شود که بیشتر انگار به قصد تلطیف فضاست. با این حال هر دو علاقه‌هایی به کمدی نشان داده‌اند؛ **فرهادی** سال‌ها پیش یك مجموعه کمدی به نام مجتمع مسکونی فرخ و فرج ساخت. او همچنین فیلمنامه یکی از بهترین فیلم‌های کمدی تاریخ سینمای ایران را نوشته یعنی دایره زنگی که همسرش پریسا بخت‌آور آن را کارگردانی کرد. امیدواریم فرهادی روزی خودش برای ساخت یك کمدی خوب دست به کار شود.

آبیار هم که امسال با یک فیلم تلخ و جدی اجتماعی «ابلق» در جشنواره فیلم فجر حاضر بود و سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران را هم به دست آورد، در کمدی مصادره به کارگردانی مهران احمدی، به عنوان مشاور کارگردان حضور داشت. به‌جز این، برخی شوخ طبعی‌ها و لحظات مفرح در فیلم نفس، نشان داد که آبیار اگر بخواهد توانایی ساخت یك فیلم کمدی را هم دارد.

دایره زنگی

مصادره

شلیک خنده

محمدحسین مهدویان

مهدویان را معمولا با فیلم‌های جنگی و دفاع مقدسی می‌شناسیم. تاثیرپذیری‌اش از سینمای شهید آوینی با حضور در موسسه روایت فتح، منجر به ساخت آخرین روزهای زمستان در تلویزیون و ایستاده در غبار و دو قسمت ماجرای نیمروز در سینما شد. درخت گردو هم با این‌که فیلمی اجتماعی در سینمای مهدویان اعلام شد، اما با دغدغه‌های او در زمینه جنگ و دفاع مقدس فاصله نداشت. حتی لاتاری که قصه‌ای امروزی را روایت می‌کرد، مردانی از جنس جبهه و جنگ را به عنوان قهرمان داشت. بنابراین با این عقبه، خبر ساخت کمدی شیشلیک، باعث تعجب می‌شود. فیلمی با بازی رضا عطاران و پژمان جمشیدی که نمایش آن در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر با واکنش‌های متفاوتی همراه بود. مهدویان که قبلا با کاراکتر جوشی کمال (هادی حجازی‌فر)، در لحظاتی خنده‌هایی از تماشاگر گرفته بود، این بار با فیلمنامه‌ای نوشته امیرمهدی ژوله، جهان تازه‌ای را تجربه کرد؛ تجربه‌ای که در صورت اکران عمومی، قطعا با کنجکاوی مخاطبان روبه‌رو خواهد شد و فیلم به فروش بالایی دست خواهد یافت. اما در نگاه کارشناسانه و تحلیلی، شیشلیک اثری در حد و اندازه‌های فیلم‌های جدی و موفق مهدویان نیست.

کمدی باشکوه

کیانوش عیاری

روز باشکوه

کارگردان تلخ‌اندیش سینما که با سبك رئالیستی‌اش شناخته می‌شود و تسلط خیره‌کننده‌ای بر جزئیات و فضای قصه‌اش دارد، ظاهرا میانه‌ای با کمدی ندارد و انتظار ساخت فیلمی خنده‌دار از سوی او، ما را شگفت‌زده می‌کند. اما فراموش نکنیم که عیاری در سال‌های دور، کمدی دلنشین «روز باشکوه» را با بازی علیرضا خمسه ساخته بود. آنهایی هم که سال قبل با شنیدن خبر ساخت فیلم «رکر» به کارگردانی عیاری و بازی عطاران، تعجب کرده بودند، احتمالا یاد روز باشکوه نبودند. جالب است که عیاری باوجود روایت‌هایی جدی و تلخ، هیچ‌گاه به طور صرف از لحظات کمدی غافل نبود و حواسش بوده تا ضرب فشار فیلم را بگیرد. یکی از نمونه‌هایش در فیلم تیره و تار و تلخ خانه پدری اتفاق می‌افتد، آنجا که محتشم (مهدی هاشمی) در مراسم عزاداری و موقع غذا خوردن و در حالی که درگیر یك موقعیت مهم می‌شود، قاشق غذا را تا مدت‌ها در دستش نگه می‌دارد و در همان وضعیت سعی می‌کند محل اختفای قبر خواهر مرحومش لو نرود!

بهترین کمدی ایران

داریوش مهرجویی

اصلا زشت است که اسم مهرجویی را اینجا می‌آوریم و از او به عنوان کارگردان فیلم‌های جدی و فلسفی نام می‌بریم که یکی دو تایی هم کمدی ساخته. چرا که همان یك «اجاره‌نشین‌ها» برای خروج استاد از این فهرست کفایت می‌کند. او با همین فیلم درخشان که از آن به عنوان بهترین کمدی تاریخ سینمای ایران نام می‌برند، دینش را تمام و کمال به سینمای خنده ادا کرده و رسالتش را انجام داده است. با این حال چون غالب فیلم‌های مهرجویی، جدی و تلخ است و بیشتر آنها هم فازی فلسفی دارند، به‌ناچار به او در اینجا اشاره می‌کنیم. ضمن این‌که مهرجویی تا پیش از اجاره‌نشین‌ها، تجربه ساخت کمدی نداشت و تماشاگران آثاری چون گاو، آقای هالو، پستچی و دایره مینا را از او دیده بودند. بنابراین مواجهه با اجاره‌نشین‌ها برای خیلی‌ها شگفتانه بود. مهرجویی گرچه بعد از این کمدی، کماکان به ساخت فیلم‌های جدی مثل هامون، بانو، سارا و پری ادامه داد و حتی فلسفه‌اش شدت گرفت، اما در برخی لحظات فیلم‌هایش هم کمدی و سرخوشانگی وجود داشت. مهرجویی در سال‌های اخیر یك کمدی دیگر به نام چه خوبه که برگشتی هم ساخت که بهتر است از یادآوری آن بگذریم تا خدشه‌ای به اعتبار اجاره‌نشین‌ها وارد نشود!

اجاره نشین‌ها

تلخند

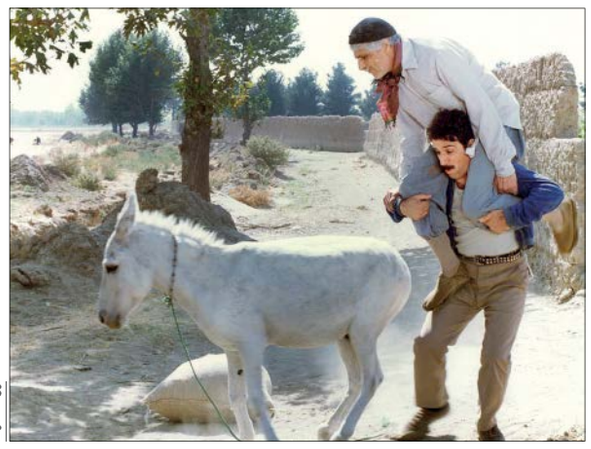

زرد قناری

رخشان بنی‌اعتماد

بنی‌اعتماد قریب به ۱۰ سال است فیلم سینمایی نساخته و آخرین کارش در این زمینه، قصه‌ها است، اما او را این‌طوری جدی و تلخ مانند سال‌های اخیر فیلمسازی‌اش با آثاری چون خون‌بازی، گیلانه و زیرپوست شهر، نبینید. بنی‌اعتماد اصلا فیلمسازی‌اش در سینمای داستانی را با آثار کمدی شروع کرد و همان سرچراغی نشان داد که می‌تواند با آثاری چون خارج از محدوده و زرد قناری، مخاطبان را بخنداند. منتها کمدی‌هایی سیاه که مخاطب باوجود خنده اولیه، به تأمل دعوت می‌شود و نقد اجتماعی فیلمساز را درك می‌کند. بنابراین، این‌که توقع داشته باشیم بنی‌اعتماد با یك کمدی حتی اگر سیاه و تلخ هم که باشد، به سینما برگردد؛ انتظاری بیهوده نیست و جای شگفتی ندارد.

نمک خاموش

کیومرث پوراحمد

فرقی نمی‌کند سبیل داشته باشد یا نه، شاید تقصیر ابروهای پوراحمد باشد که او را در ظاهر، کارگردان عبوسی نشان می‌دهد! پوراحمد گرچه در سال‌های اخیر از دوران اوجش فاصله دارد و فیلم‌های جدی و کمتر خوبی می‌سازد و در سال‌های قبل هم در کارنامه سینمایی‌اش، بیشتر آثار جدی به چشم می‌خورد، اما او سال ۶۸ فیلمی سرخوشانه و فانتزی به نام شکار خاموش ساخت؛ با بازی مهدی هاشمی، گلاب آدینه و علیرضا خمسه. به‌جز این، پوراحمد در برخی دیگر از آثارش همچون قصه‌های مجید و لنگرگاه هم از لحظات نمکین غافل نبود. این نمك همیشه در قلم او برای بهاریه‌های مجله فیلم هم وجود دارد. شاید چاره برون‌رفت پوراحمد از بحران فیلمسازی در سال‌های اخیرش، ساخت یك کمدی خوب باشد.

شکار خاموش

مصائب خنده

علیرضا داودنژاد

هوو

داوودنژاد از کارگردانان خوش‌فکر و اندیشمند سینمای ایران است که خوشبختانه برخلاف برخی فیلمسازان هم‌نسل خود، افت پیدا نکرده و همچنان فیلم خوب می‌سازد. نمونه‌اش فراری یا فیلم تجربی روغن مار. اما احتمالا وجه مشترك آثارش، تلخی این درام‌های خانوادگی و اجتماعی است که باوجود تاثیرگذاری، کام مخاطب را تلخ می‌کند. البته یك تلخی اثرگذار که حکم داروی بدمزه را دارد. با این حال داوودنژاد در دهه ۸۰ و پشت‌سرهم، دو فیلم کمدی با بازی عطاران ساخت؛ هوو و تیغ‌زن. او احتمالا برای جبران شکست‌های مالی آثاری چون هشت‌پا و ملاقات با طوطی، سراغ کمدی رفت. هوو و تیغ‌زن (اولی بیشتر) لحظات مفرحی داشتند و برخی تماشاگران را هم خنداندند، اما نشان دادند که بهتر است داوودنژاد را با فیلم‌های تلخ و جدی و تاثیرگذارش به یاد بیاوریم.

ماسک خندان

بهروز افخمی

سن پطرزبورگ

کفه فیلم‌های جدی و تلخ افخمی سنگین‌تر است. شوکران و عروس و گاوخونی که فیلم‌های خوب و ماندگاری هم هستند، گواه این مدعاست. منتها افخمی دو کمدی خوب هم در کارنامه‌اش دارد که جزو کمدی‌های مشهور و موفق سینمای ایران هم هستند؛ سن‌پترزبورگ و روز فرشته که هر دو در زمان اکران خود، موفق بودند و تماشاگران از آنها رضایت داشتند. به‌ویژه سن‌پترزبورگ که از استانداردترین و جذاب‌ترین کمدی‌هایی است که سینمای ایران به آن نیاز دارد. مدتی هم صحبت از خبر ساخت دوم این فیلم بود. کارنامه افخمی می‌گوید که او از معدود کارگردان‌های سینمای ماست که باوجود توانایی ساخت فیلم‌هایی جدی، هنر و میل ساخت کمدی‌های خوب را هم دارد. شاید اگر آذر، شهدخت، پرویز و دیگران، بیشتر به سمت کمدی می‌غلتید، بیشتر موفق می‌شد.